عکس: ایرنا

عکس: خبرگزاری مهر

جنس نظامی به دیپلماتیک تبدیل شدند و فرایندی در پیش گرفته شد که به سازوکار ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران منتهی شد، ونزوئلا جایی از داستان نبود.

اکنون نیز مدتی است که ونزوئلا تحت فشار فزاینده ایالات متحده و در معرض اقدامات نظامی در آب‌های نزدیک به خود بوده و حالا نیز گمانه‌زنی‌هایی در این باره می‌شود که این فشار به حمله نظامی کامل تبدیل شود. در تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها در این باره، البته هرازگاهی لااقل نامی از ایران مطرح می‌شود، به‌خصوص در بررسی احتمال اینکه بار دیگر پهپادهای ایرانی، به‌خصوص پهپادهای ارزان‌قیمتش، بتوانند برای ونزوئلا کارکردی داشته باشند؛ اما برآیند تحلیل‌ها در نهایت بر همین است که ایران کاری نخواهد کرد. بلکه حتی انتظار چندانی از نقش‌آفرینی روسیه و چین نیز نمی‌رود.

محدودیت‌های متقابل

این کم‌کارکردی دو طرف برای یکدیگر، توضیحاتی هم دارد. ایران و ونزوئلا، عملاً در دو سمت مختلف کره زمین قرار دارند. در عرصه‌ای مثل کمک تسلیحاتی یا یاری‌رساندن در میانه جنگ، این فاصله اهمیت و اثر دارد؛ به‌خصوص در شرایطی که مسیر هر گونه تعامل و ارتباط بین این دو از کنار پایگاه‌ها و ناوهای ایالات متحده خواهد گذشت. از سوی دیگر، هیچ‌کدام از این دو کشور در جایگاه یک قدرت جهانی در عرصه‌های تسلیحات یا اقتصاد نیستند که بتوانند اثرگذاری از این جنس در سرنوشت یکدیگر داشته باشند. هیچ‌کدام از این دو، سرمایه دیپلماتیک کافی را ندارند که در میانه بحران انزوا و فشارهای خارجی، بتوانند با رایزنی و هماهنگی با دیگران، کمکی به دیگری داشته باشند. زمانی که ایران درگیر جنگ با اسرائیل بود، آنچه می‌توانست به کارش بیاید، یا کمک و مداخله نظامی بود، یا حمایت تسلیحاتی یا استفاده کشورها از امکانات سیاسی خود برای اعمال فشار و تلاش برای توقف جنگ. عملاً در هیچ‌کدام از این عرصه‌ها، کسی کار چندانی نکرد اما کشوری مثل ونزوئلا، امکان نقش‌آفرینی هم در این زمینه‌ها ندارد. در سمت مقابل نیز، نهایتاً امکان تحویل برخی تسلیحات از ایران به ونزوئلا وجود داشته باشد که آن هم بعید است، تعیین‌کنندگی خاصی داشته باشد. هر دو کشور، از بحران‌ها و گرفتاری‌های اقتصادی جدی در عرصه داخلی رنج می‌برند و از این رو، سقف چندان بلندی برای کمک اقتصادی به یکدیگر نیز ندارند. هر دو کشور، در عرصه داخلی با چالش‌هایی مواجه هستند و نیز تا حدی دست دولت‌ها را می‌بندند. گزارشی از واشنگتن‌پست، مربوط به هفته‌های گذشته نشان می‌دهد، مادورو البته شانس خود را آزموده و همزمان با درخواست کمک از چین و روسیه، از ایران نیز تقاضای یاری داشته است اما همان گزارش ادعا می‌کند هیچ‌کدام پاسخ چندانی به او نداده بودند.

محاسبه روسیه یا چین، برای کمک به ونزوئلا یا دورماندن از او، البته جنس متفاوتی دارد تا ایران. می‌توان ادعا کرد اگر مسکو یا پکن قانع شوند که کمک به ونزوئلا در چارچوب منافع آن‌هاست، امکان نقش‌آفرینی در این زمینه را دارند. فعلاً مسئله برای این دو بیشتر در حوزه انگیزه است و نه امکان. مداخله مستقیم در حمایت از مادورو در میانه تقابل دولت دونالد ترامپ با او، به‌خصوص در شرایطی که به نظر می‌رسد جنبه نظامی این تقابل در حال تشدید است، به نظر دردسرهای اضافی جدیدی برای این دو ایجاد می‌کند، بدون اینکه منافعی هم‌وزن برایشان به ارمغان داشته باشد. به‌خصوص چین، همواره از این پرهیز داشته که جنس تقابلش با ایالات متحده، تسلیحاتی و نظامی باشد. برای ایران نیز این منطق البته کارآیی دارد. ایران اکنون در همین وضعیت، تحت فشارهایی جدی از سمت قدرت‌های غربی است. مداخله ایران در عرصه تقابلی دیگر، به این مشکلات خواهد افزود؛ اما جنبه دیگری از ماجرا این است که حتی اگر ایران تصمیم بگیرد چنین کمکی به سود اوست، بعید به نظر می‌رسد امکان آمادی آن وجود داشته باشد. ایران حالا خود در شرایطی است که احتمالی جدی برای وقوع یک درگیری نظامی دیگر در ذهن تصمیم‌گیران آن وجود دارد. از این رو، هر چه امکانات تسلیحاتی که بتواند فراهم کند، به کار آماده‌سازی دوره بعدی تقابل خواهد آمد و بعید است بتواند از بخشی از ذخایر تسلیحاتی و تجهیزاتی خود به نفع ونزوئلا صرف‌نظر کند. ادعاهایی که درباره کمک تسلیحاتی از سوی ایران به روسیه در دوران جنگ اوکراین مطرح بوده، جنس متفاوتی دارد. روسیه توان و امکان این را دارد که در مقابل و در نوعی دیگر به ایران کمک تسلیحاتی برساند، درحالی‌که ونزوئلا نمی‌تواند چنین کارکردی برای ایران داشته باشد. به‌علاوه، ایران همین حالا در نقل‌وانتقال نفت به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد خود با گرفتاری‌های گسترده مواجه است، تا چه رسد به ارسال تسلیحات به نیم‌کره‌ای دیگر. هیچ‌کدام از این‌ها البته به این معنی نیست که هیچ اتفاق و تعاملی بین دو کشور رخ نمی‌دهد. در سال‌های گذشته تلاش‌هایی جدی، در این رابطه وجود داشته است، اما شدت محدودیت‌ها به این معناست که تعاملات احتمالی، نمی‌توانند اثرگذاری کافی را داشته باشند، به‌خصوص وقتی در سایه شدت بحران بررسی شوند.

نگاه به عقب

در پاسخ به این مرور، احتمالاً یک پاسخ این باشد که اساساً توقعات دو طرف از رابطه با یکدیگر در این حد و حدود نبوده است و تنظیم‌کنندگان این روابط، بر پایه این تصور پیش نرفته‌اند که دیگری بتواند آن‌ها را از بحران‌هایی در این حد و اندازه نجات دهد؛ اما حتی اگر چنین ادعایی پذیرفته شود، سؤال دیگری ایجاد خواهد شد: هدف اصلی چه بود؟ با چه انگیزه‌ای، مقابله با آمریکا به عنوان انگیزه‌ای تعیین‌کننده در رابطه با کشوری در آن سوی کره زمین تصور شده است، وقتی در همین عرصه، کارکرد قابل‌توجهی قابل تصور و انتظار نیست؟

به عبارت دیگر، اصل مسئله را این‌طور می‌توان توضیح داد: ایران و ونزوئلا، هر دو مدت‌هاست خود را در معرض فشار ایالات متحده دیده‌اند و نیز مدت‌ها این احتمال را در نظر داشته‌اند که روزی این فشارها جنبه نظامی نیز به خود بگیرد. این فشار مشترک نیز موضوع اصلی تعامل بین این دو بوده است. این رابطه، البته خود تا حدی به کار تشدید این فشارها نیز آمده است، چه آنکه این تعامل، یک چالش دیگر به چالش‌های آمریکا با این دو طرف اضافه کرده است. در تمام این سال‌ها، زمانی که صحبت از انزوای ایران بود، مخالفان این تحلیل ونزوئلا را از جمله مثال‌های اثبات این ایده می‌دیدند که تقابل ایران با غرب و مشخصاً با آمریکا، مانع از روابط خارجی مؤثر برای ایران نشده است. حالا در بزنگاهی که ماجرا به اوج خود رسیده، کمتر کسی انتظار دارد که هیچ کدام بتوانند کار چندانی برای دیگری بکنند.

به عبارت دیگر، مسئله ونزوئلا نیست. ونزوئلا تنها برجسته‌ترین نمونه برای شرح این حقیقت است که اولویت‌ها و چیدمان سیاست خارجی ایران، دچار خطاهایی بنیادین بوده است، در شرایطی که بحران‌های گسترده در روابط ایران با غرب و چالش‌های مختلف و متعدد ایران در منطقه ادامه داشته و بلکه روبه‌تشدید بوده‌اند. جایگاهی که ونزوئلا در منظومه سیاست خارجی ایران داشته و دارد، هیچ‌وقت به اندازه بزرگنمایی‌هایی که می‌شد نبوده و نیست و در این مقطع، این از همیشه مشخص‌تر شده است و دیگر از شعارهای پیشین خبر چندانی نیست. شاید اگر به جای تعاملات شعاری با کشوری درگیر گرفتارهای مشابه با ایران در سمت دیگر دنیا، ایران در چینش روابطش با کشورهای تأثیرگذار در منطقه محاسبات دقیق‌تری می‌کرد یا درباره کارکرد درهم‌تنیدگی منافع با کشورهای صاحب قدرت در جهان تصویر روشن‌تری داشت، امروز ابزارهای بیشتری برای مقابله با شرایط بحرانی داشت، اگر اساساً کار به بحران می‌کشید.

یکی از چهره‌های برجسته سیاسی جریانی که حامی این جنس کنش در سیاست خارجی ایران بود، چند سال پیش در مناظره‌ای، کسانی را به نقد کشید که حل چالش هسته‌ای با غرب را واجد اهمیت می‌خواندند. او در رد ادعاهای آن‌ها از این گفت که دنیا نزدیک به ۲۰۰ کشور دارد و اگر با چند کشور مشکل داریم، می‌توانیم با دیگران روابط برقرار کنیم. به روشنی می‌توان دید که در مثالی مثل ونزوئلا، چنین نگاهی وجود داشته است. امروز اما آشکار است در دنیای دیپلماسی، واقعیت‌ها در نهایت خود را بر شعارها تحمیل می‌کنند.

مسئله ونزوئلا نیست. ونزوئلا تنها برجسته‌ترین نمونه برای شرح این حقیقت است که اولویت‌ها و چیدمان سیاست خارجی ایران، دچار خطاهایی بنیادین بوده است، در شرایطی که بحران‌های گسترده در روابط ایران با غرب و چالش‌های مختلف و متعدد ایران در منطقه ادامه داشته و بلکه روبه‌تشدید بوده‌اند. جایگاهی که ونزوئلا در منظومه سیاست خارجی ایران داشته و دارد، هیچ‌وقت به اندازه بزرگنمایی‌هایی که می‌شد نبوده و نیست و در این مقطع، این از همیشه مشخص‌تر شده است

می‌کند که این تقابل همچنان رقابت پیام‌هاست و نه عرصه اعمال قوه قهریه. احتیاط واشنگتن، پویه‌شناسی کلی‌تر وضعیت را برجسته می‌کند: قدرت‌ها در هر طرف در حال آزمایش عزم یکدیگر هستند و همزمان از هر گونه تعهد که ممکن است آن‌ها را گرفتار یک درگیری تمام‌عیار کند، پرهیز می‌کنند.

برای روسیه، بحران فعلی بیشترین فرصت برای ارسال پیام‌های نمادین است تا عرصه تقابل نیابتی. مسکو احتمالاً در عرصه کلام از این وضعیت استفاده خواهد کرد تا همچنان تصویر سرکشی در مقابل نفوذ ایالات متحده را نشان دهد؛ اما نه منابع و نه انگیزه راهبردی این را ندارد که ونزوئلا را تبدیل به میدان نبرد کند. محتمل‌ترین حالت این است که مداخله روسیه محدود به تماس مستقیم با اعضای رژیم ونزوئلا، محکومیت اقدامات ایالات متحده، ارسال قطعات یدکی انتخابی و شاید مانورهای جزئی مشترک باشد، با این هدف که همچنان در صحنه دیده شود، بدون اینکه خطری متوجهش شود. این راهبردی است که روسیه پیشتر هم در کارائیب به کار برده است. بعید است روسیه از ونزوئلا حمایت نظامی کند، حتی اگر ایالات متحده اهدافی را داخل این کشور مورد حمله قرار دهد؛ کاری که روسیه دارد می‌کند، نشان دادن پرچم خود است، نه آماده‌شدن برای جنگ.

برای چین هم انگیزه‌ها به سمت احتیاط هستند. پکن ثبات و افزایش تدریجی نفوذ در آمریکای لاتین و کارائیب را مهم‌ترین هدف خود قرار داده است، نه تقابل مستقیم. ممکن است چین از این بحران استفاده کند تا از نظامی‌گری ایالات متحده در کارائیب انتقاد کند و خود را بازیگری مسئول بنمایاند، اما از هر گونه حرکت که ونزوئلا را به نیروی نیابتی نظامی تبدیل کند، پرهیز خواهد کرد. مسیر امن‌تر برای پکن، همچنان موضع‌گیری و توافقات تجاری است و نه درگیری عملیاتی. چین البته در حال گسترش جای پای اقتصادی و دیپلماتیک خود در کارائیب است، با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، نوسازی بنادر و تجارت؛ اما هدف اصلی‌اش تنوع‌بخشی و دسترسی بلندمدت است، نه تقابل نظامی مستقیم با ایالات متحده در این منطقه.

در نهایت، برای ایران، محاسبات عمدتاً نمادین هستند. ایران، مثل روسیه، از تصویر سرکشی در مقابل واشنگتن در مکانی نزدیک به ایالات متحده، استقبال خواهد کرد. ایران احتمالاً تماس مستقیم دائم را با اعضای دولت مادورو حفظ خواهد کرد و با آن‌ها در عرصه‌های فروش پهپاد، ابزارهای سایبری و فرار از تحریم‌ها، کار خواهد کرد. این تعاملات، شبکه‌هایی از ظرفیت‌های نامتقارن را حفظ می‌کنند که مقامات ایالات متحده را نگران کرده است، مقاماتی که نفوذ بالقوه بازیگرانی مرتبط با حزب‌الله را به عنوان شاهد جای پای گسترده‌تر تهران می‌بینند؛ با این حال، چنین فعالیت‌هایی همچنان ابعاد محدودی دارند. تعاملات ایران بیشتر به عنوان ابزاری کم‌هزینه برای ارسال پیام سرکشی به کار می‌آیند، تا آماده‌سازی برای تقابلی نیابتی و مداوم.

در مجموع، شرکای رژیم مادورو، به اندازه‌های مختلف، توانایی این را دارند که مستقیم‌تر به او کمک کنند، اما هیچ کدام به نظر مایل به این نمی‌رسند که ونزوئلا را به یک درگیری نیابتی واقعی با ایالات متحده تبدیل کنند.

JOURNAL OF DEMOCRACY

دیپلمات‌ها

نامه مشترک ایران چین و روسیه

سفرای ایران، روسیه و چین در سازمان ملل متحد در نامه‌ای مشترک به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل تاکید کردند که مطابق بند عملیاتی ۸ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، تمامی مفاد این قطعنامه پس از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ خاتمه یافته است. امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل، واسیلی نبنزیا، سفیر و نماینده دائم روسیه در سازمان ملل و فو کونگ، سفیر و نماینده دائم چین در سازمان ملل روز سه‌شنبه به وقت محلی در نامه مشترک خود نوشتند: «جمهوری اسلامی ایران، جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه همچنان به مشارکت دیپلماتیک سازنده با تمامی اعضای شورا کاملاً متعهد باقی می‌مانند. بدینوسیله آمادگی خود را برای حمایت از تلاش‌های جمعی در راستای پاسداری از ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران اعلام می‌دارد.» سفرای ایران، روسیه و چین تاکید کردند: «ضروری است تمامی طرف‌های ذی‌ربط که به یافتن راه‌حل سیاسی‌ای که نگرانی‌های تمامی طرف‌ها را از طریق مشارکت و گفت‌وگوی دیپلماتیک مبتنی بر اصول احترام متقابل لحاظ کند پایبند بمانند، از تحریم‌های یک‌جانبه، تهدید به زور یا هر اقدام دیگری که ممکن است موجب تشدید وضعیت شود خودداری نمایند، و اینکه تمامی کشورها باید در ایجاد فضای مساعد و شرایط لازم برای تلاش‌های دیپلماتیک مشارکت کنند.» ساموئل ژبوگار، سفیر و نماینده دائم اسلوونی در سازمان ملل متحد روز دوشنبه (به وقت محلی) و همزمان با آغاز ریاست کشورش بر شورای ۱۵ عضوی شورای امنیت در آخرین ماه از سال میلادی ۲۰۲۵ به خبرنگاران در مقر سازمان ملل در نیویورک، گفت: «شورای امنیت ۱۳ دسامبر (۲۲ آذرماه) گزارش دبیرکل سازمان ملل را در خصوص قطعنامه ۲۲۳۱ درباره ایران دریافت خواهد کرد.»

دیدار دیپلمات‌های ایران و عربستان در دُبی

علیرضا محمودی، سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در دُبی و امارات شمالی، با همتای خود، «عبدالله بن‌منصور المطوع»، سرکنسول عربستان سعودی دیدار و رایزنی کرد. محور اصلی این نشست دوستانه، بررسی راه‌های عملی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی، افزایش حجم تبادلات تجاری، حمایت از بازرگانان و همچنین تسهیل و تسریع ارائه خدمات کنسولی به شهروندان دو کشور در امارات بود.

دیدار سفرای ایران و ارمنستان

گریگور هاکوپیان، سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار جمهوری ارمنستان در ایران در محل سفارت، میزبان «خلیل شیرغلامی» سفیر فوق‌العاده و تام‌الاختیار جدید جمهوری اسلامی ایران در ایروان بود. در جریان این ملاقات سفرای ایران و ارمنستان در تهران، برنامه‌های مشترک آتی دو کشور و موضوعات دوجانبه مورد گفت‌وگو قرار گرفت. هاکوپیان در جریان این دیدار ضمن تبریک به سفیر جدید ایران به مناسبت تصدی مسئولیت، برای شیرغلامی در طول ماموریت دیپلماتیک وی در ارمنستان آرزوی موفقیت کرد. براساس گزارش آراکس، در این نشست مسائل جاری دستور کار روابط ایران و ارمنستان، حوزه‌های مختلف همکاری و برنامه‌های مشترک آتی دو کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت و طرفین بر آمادگی برای تعمیق بیش‌تر روابط دوجانبه تاکید کردند.